

نوع مقاله: پژوهشی

شناخت‌شناسی در «گاتاها»

نیره سادگی / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

f-nateghi@iau-arak.ac.ir

فائزه ناطقی / استادیار برنامه درسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

محمد هاشم رضایی / دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

چکیده

راستی‌آزمایی اندیشه‌ها در بوته فلسفه، غبار شک را می‌زداید و راه‌های گسترده‌تری برای بلوغ تفکر می‌نمایاند. هدف این پژوهش بررسی شناخت‌شناسی در «گاتاها» است. این تحقیق از لحاظ هدف، بنیادی است و با استفاده از روش «توصیفی - تحلیلی» با رویکرد «کیفی» به گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته است. نتایج برگرفته از پژوهش نشان می‌دهد: برحسب «گاتاها» دو نوع معرفت حصولی و حضوری وجود دارد. ابزارهای شناخت عبارت است از: حس، دل، فطرت و عقل؛ و شناخت از راه دعا، باور و آگاهی، اندیشه نیک، همنشینی با دانایان، «آشا» و آموزش اهورایی به‌دست می‌آید. موانع شناخت نیز باورهای غلط، آیین غلط، آموزش غلط و عدم رایزنی با اندیشه نیک است. معیار صدق شناخت، میزان مطابقت آن با واقع، و معیار توجیه و اعتبار انواع معرفت‌ها وحی و عقل است. رگه‌هایی از عمل‌گرایی در واقع‌گرایی دینی «گاتاها» نیز مشاهده شد. به‌نظر می‌رسد یکی از علل توجه اندیشمندان ایرانی به اسلام، به‌ویژه قرآن و سیره خاندان نبوی، آموزه‌های زرتشت باشد.

کلیدواژه‌ها: شناخت، شناخت‌شناسی، گاتاها.

انسان طبیعتاً برای یافتن راه‌حل مشکلات زندگی از عقل و دانش بهره می‌گیرد؛ زیرا احساس و ادراک غریزی به تنهایی پاسخگوی نیازهای او نیست (عبده، ۱۳۷۴، ص ۱۴۷). بشر در پاسخگویی به اعتراض فرشتگان در هنگامه خلقتش، راه‌حلی پیدا کرد: آموختن اسماء. شاید کنجکاوی او در آموختن اسماء الهی و یا کشش کشف منجر به شکستن حریم الهی، نخستین اندیشه‌ورزی آدم باشد، آن زمان که برای به‌دست آوردن آگاهی یا راه‌حل پیدا کردن برای واقعیت (خسروپناه و پناهی آزاد، ۱۳۸۹، ص ۵۰)، شناخت را تجربه کرد. اساساً خلقت انسان، بروز عملی اندیشه بود. بدین‌روی نمی‌توان برای فلسفه - به‌معنای اعم آن - آغازی تعیین کرد. آغاز، همان آغاز تفکر است؛ زیرا همین که انسان به چون و چرا پرداخت، فلسفه را آغاز کرده است (صدرالمتألهین، ۱۳۹۷، ص ۲۵، مقدمه عابدینی شاهرودی). زوال هم برایش معنی ندارد. عالم وجود هرگز از دانش حکمت و دانایی که نمودار و قائم به آن است و حجت و بینات خدا نزد اوست، تهی نیست (سهروردی، ۱۳۹۷، ص ۱۹). گویی تفکر در تار و پود انسان تنیده شده است. دین، سیاست، اقتصاد و موضوعات دیگری که بشر را سرگرم کرده، چهره‌هایی برای نمایش اندیشه هستند. در این عرصه معارف دینی سهم قابل توجهی در قلمرو نظری مسائل شناختی داشته‌اند. در آثار باقی‌مانده از انبیای الهی، مطالب متنوعی درباره حقیقت و ماهیت شناخت و ابزارهای آن به چشم می‌خورد (شجاعی، ۱۳۸۶). گویا بزرگ‌ترین حق بشر پس از وجود، حق دانستن و مزین شدن به اخلاق برای درک اسماء الهی است؛ حقی که ارزش زیستن را تعریف می‌کند. از آغاز تاریخ «آموزش» خاطرهای نامانده است. تنها ارتباط چهره به چهره آگاهی را سینه به سینه منتقل می‌کرد. حسرت حذف بسیاری از مفاهیم از تاریخ، جامانده از همان دوره است.

پس از ابداع خط، مهم‌ترین چیزها برای بشر ثبت شد. گمان می‌رود در جوامعی که دین زیربنای زندگی مردم بوده، خرد در متون مذهبی به شکل‌های گوناگون گردآوری شده است. الواحی که حضرت موسی علیه السلام به قوم خود عرضه کرد نمونه‌ای از این نوشته‌هاست.

گاتاه‌ها یکی از کهن‌ترین نوشته‌هایی است که در جهان برجای مانده است (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۱۷) و از نظر زبانی، کهن‌ترین مکتوب شناخته شده ایرانی است (حکمت، ۱۳۵۰، ص ۴۶۷). از زمان‌های بسیار قدیم **گاتاه‌ها** را سخنان و اشعار خود زرتشت می‌دانستند (تفضلی و آموزگار، ۱۳۸۳، ص ۳۶). کتاب آسمانی **گاتاه‌ها**، مانند علوم پایه، کامل و دقیق و بسیار عرفانی است و برای درک این کتاب اهورایی نیاز به آگاهی و دانش بالا و دقت و پژوهش بسیار است (خورشیدیان، ۱۳۸۶، ص ۹۳-۹۴). در بندها و هات‌های **گاتاه‌ها** فلسفه اخلاقی و اجتماعی او که همه بر پایه خردگرایی است، بازتاب شده است (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴). گویی **آئسو زرتشت** آموزگارمانترایی اندیشه، کردار و گفتار نیک بوده، حقوق بشر را در سروده‌هایش ترویج کرده و حکمت عملی را با حکمت نظری‌اش تعلیم داده است. اندیشه صواب راهنمای همه انسان‌هاست و مانترا و پیام ایزدی که در گاتاه‌ها نهفته است، گمراهان و زیانکاران را با سخن خویش به برترین و بالاترین مرز درست اندیشی رهبری می‌کند (همان، ص ۷۶).

بهره‌گیری از خرد فردی و گروهی جامعه و تاریخ را متأثر می‌کند. نمونه آن در بین مؤمنان مشاهده می‌شود. به‌نظر می‌رسد توجه دانشمندان ایرانی به اسلام، به‌ویژه قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام نشئت گرفته از آموزه‌های زرتشت در *اوستا* باشد. در بعد تربیتی هم این‌گونه است:

هر زرتشتی می‌بایست قسمت‌هایی از ادعیه و تعالیم اوستا را در خاطر داشته باشد، و سرمشق کردار خویش قرار دهد و از وظایف و مراسم دینی خود آگاه باشد. این امر به ایجاد یک نوع وحدت نظر و عمل در اندیشه، گفتار و کردار میان ایرانیان کمک کرده و ارتباط معنوی و عقلی یکپارچه‌ای در ایران باستان به‌وجود آورده است. دین زرتشت پایه‌های علوم و معارف گوناگون را استوار ساخته است (حکمت، ۱۳۵۰، ص ۱۲۰-۱۲۲).

سروده‌های زرتشت از جانش برآمده و از این‌رو «بنیان فکری و فلسفی *گاتاها* اصولی کلی و جهانی است که هر کس در هر زمان می‌تواند حقیقت آن را دریابد» (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۱۸). گروه کثیری از خرد‌آشویی برخوردار شده‌اند.

درباره تأثیرگذاری اندیشه‌های زرتشت بر روی زمان خود و پس از آن، شواهد بسیاری حاکی از آن است که می‌توان او را بنیانگذار «فلسفه دیالکتیک» دانست (رضوی، ۱۳۸۴).

بازبینی اندیشه همیشه ماندگار حکمت از هر زمانی که باشد، قوت‌بخش نظام فکری است و «تابودی ملت‌ها بسته به ترک آداب و سنن و آیین و شعائر ملی است» (سامی، ۱۳۵۴). تاب‌آوری فرهنگ و تمدن ایرانی در آشوب مقدونیان و تسلط سلوکیان و پاک گرداندن پس از تهاجم آنان، نتیجه تأثیر آیین زرتشت است (حکمت، ۱۳۵۰، ص ۱۲۴). مقاومت تاریخی ایرانیان در مقابل هجوم‌های فرهنگی و رابطه‌ای عمیق و ناگسستگی که با اسلام برقرار کردند، از سرچشمه معرفت‌شناسی آشویی آب خورده است. اکنون که اندیشه‌های غریبان کمابیش در محافل فرهنگی ما نفوذ یافته (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۶)، پایداری در برابر تهاجم فرهنگی مقدونیان و سلوکیان، الگوی موجهی برای مقابله با تهاجم فرهنگی است. شناخت معرفت‌آشوزرتشت، بنیان‌های توحیدی دانش ایران باستان را به ما می‌نمایاند؛ دانشی که در شناسایی هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی نیز پایه است.

پاسخ به مسائل مربوط به معرفت‌شناسی در هر جامعه و در هر نظام آموزشی، برگرفته از پاسخ به مسائل جهان‌بینی و فلسفه حاکم بر آن جامعه است (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ زیرا معرفت‌شناسی اساس روش‌های آموزش و یادگیری است (گوتک، ۱۳۸۳، ص ۱۲) و برنامه‌های درسی و روش‌های یادگیری از معرفت‌شناسی حاصل می‌شود (همان، ص ۱۲) و کتب درسی و محتواهای آموزشی متناسب با منابع و انواع معرفت تنظیم می‌گردد (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶).

فرایند یاددهی - یادگیری با توجه به ابزارها و راه‌های معرفت و منابع معرفت پی‌ریزی می‌شود و استعدادیابی و جهت‌دهی به آنها برای غنابخشی به معرفت متریبان بر اساس بنیان‌های معرفت‌شناختی صورت می‌گیرد. معرفی الگوهای علمی و اخلاقی و نشانه‌گذاری راه تزکیه و تهذیب نفس بدون بهره‌گیری از

شناخت‌شناسی مناسب، زمینه‌ساز عرفان‌های کاذب و انحراف‌های علمی بزرگ و حتی تحریف‌های ظریف و شکننده است. اما بهدینی یک آیین اخلاقی و طریقه یگانه‌پرستی است (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۰) و زمینه نمود ابعاد توحید در فرد و جامعه را می‌سازد. شاخص تحریف مذهبی، تطبیق آن با اصل دین است. اندک خرافات مذهبی در سراسر **گاتاها** به چشم نمی‌خورد (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۱۸) و بنیادهای دین زرتشت نیز برگرفته از بینش **گاتاها** است (همان، ص ۱۰۲۹).

برای نقد دیدگاه‌های هر دوره زرتشتیان، ملاک سروده‌های زرتشت است و میزان شناخت‌شناسی مستتر در آن، بنیان نقد آیین کنونی بهدینان است. البته در هیچ‌یک از متون دینی درباره معرفت‌شناسی با صورت «تعریف معرفت، انواع معرفت، راه‌ها و ابزارهای کسب معرفت، معیار صدق معرفت، معیار توجیه و اعتبار انواع معرفت‌ها» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۸۸) سخنی ثبت نگردیده است، اما در لابه‌لای اندیشه‌های انبیا و حکمت عملی‌شان می‌توان به جست‌وجوی شواهدی برای تبیین شناخت‌شناسی پرداخت. این گزارش پاسخی است برای زبان‌شناسانی که هیچ سابقه ذهنی با فرهنگ ایرانی ندارند و به علت‌های گوناگون، قصد دارند آنچه را مربوط به زرتشت است ناچیز و بی‌اهمیت جلوه دهند (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۶۶۹).

از جمله تحقیقاتی که با پژوهش حاضر قرابت دارد این مطالعات است:

گوتک (۱۳۸۳) در کتاب **مکاتب فلسفی و آراء تربیتی**، معرفت‌شناسی رئالیسم دینی را پیرو الگوهای اساسی ارسطویی می‌داند و عالی‌ترین فعالیت انسان را تعقل می‌شناسد و وحی را پذیرفته است. این دیدگاه پایه‌های معرفتی ادیان الهی را بیان می‌کند. برخورداری از پشتیبانی نیروی اهورایی، آشویی را نسبت به تفکرات غیرتوحیدی با نفوذ در خرد تاریخ متمایز کرده است.

- زارع (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «سیر تفکر فلسفی در ایران باستان با تکیه بر تأثیر زرتشت» نوشته است: زرتشت نه تنها بر نظام فکری و مذهبی ایران، بلکه بر ساختار تفکر در جهان باستان و تا قرون جدید نیز اثر گذاشته، و راه رستگاری و معرفت فلسفی در این جهان‌بینی را کسب خرد است. این تأثیرگذاری اندیشمندانه حاصل حکمت **آشوزرتشت** بوده است. مجموعه‌ای که دیدگاه منسجمی درباره هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی داشته است؛ زیرا تأثیر هماهنگی تفکر را می‌نمایاند. اندیشه‌های اشراقی و پس از آن خرد‌صدایی از دیدگاه آشویی بهره گرفته است. **ملاصدر** باور دارد که عوامل غیرمعرفتی مؤثر بر معرفت که از آنها به فضایل و کمالات اخلاقی و عبادی یاد می‌شود، باعث ایجاد و رشد و بالندگی معرفت می‌گردد و عوامل غیرمعرفتی منفی که همان معاصی و ردائل اخلاقی است، از تابش نور معرفت محروم می‌گرداند (شایسته‌رخ، ۱۳۹۱).

علامه جعفری، نوصدرایی معاصر، ابزارهای معرفتی انسان را شناخت فطری، حس، تجربه، قلب و عقل معرفی کرده است (اسدی، ۱۳۹۵).

- نوصدرایی دیگر، علامه طباطبائی هم معتقد است: موانعی چون انحراف از حکم عقل، طبیعت‌گرایی صرف، عقل‌گرایی صرف، جهل به سیر انفسی، عدم اعتدال قوای نفسانی، تصرفات شیطان از جمله موانع شناختی و غیرشناختی معرفت است که باعث عدم دریافت قابلیت لازم جهت کسب معرفت حقیقی می‌شود (نظرنژاد و ایزی، ۱۳۹۵).

- باور نوصدرایی دیگر، آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۷۴)، درباره راه‌های کسب معرفت چنین است: راه عقل، خواص توان پیمودن آن را دارند؛ راه تهذیب و تزکیه برای عارفان گشاده است؛ راه کتاب منیر و راه وحی مختص به پیامبران است. بین راه تهذیب و تزکیه و راه وحی تفاوت جوهری وجود ندارد، جز آنکه راه چهارم با عصمت همراه بود و از آسیب سهو، نسیان و خطا مصون است، برخلاف راه عارفان که گرفتار هر دو محذور است (حسین‌زاده، ۱۳۸۴). وی معیار صدق گزاره‌های دینی را مطابق بودن معرفت حصولی با واقع برشمرده است.

- عارفی (۱۳۸۱) هم دو شرط «ضرورت صدق» و «تحویل‌ناپذیری» را معیار توجیه و اعتبار معرفت بالمعنی الاخص شمرده است.

- ابراهیم‌پور (۱۳۹۲) هم با استناد به آیات کلام الهی حواس ظاهری، عقل و قلب را ابزارهای کسب معرفت در انسان معرفی کرده است.

- نیچه (۱۳۸۶) در کتاب *چنین گفت زرتشت* نوشته است: حس و جان افزارند و بازیچه، در پس آنان «خود» جای دارد. «خود» با چشمان حواس می‌جوید و با گوش‌های جان می‌شنود. برادر! در پس اندیشه‌ها و احساس‌هایت فرمانروایی قدرتمند ایستاده است؛ دانایی ناشناس که نامش «خود» است. او در تن تو خانه دارد.

- شهزادی (۱۳۷۱) دو گونه دانش را از *اوستا* گزارش کرده است: یکی آسنوده خرد یا خرد و دانش غریزی و طبیعی و دیگری گوشوسرود خرد یا علم و خرد اکتسابی؛ یعنی علمی که از راه سروده شدن در گوش به‌دست می‌آید.

اهمیت معرفت‌شناسی منجر به نشر کتب و مقالات زیادی شده است، اما تاکنون معرفت‌شناسی در *گاتاها* بررسی یا منتشر نشده است. بدین‌روی برای پرکردن این خلأ مطالعاتی این پژوهش برای نیل به این هدف انجام شده است که «شناخت‌شناسی در گاتاها چگونه است؟».

برای دستیابی به این هدف، پرسش‌های ذیل مطرح گردید:

- شناخت‌شناسی در *گاتاها* چگونه است؟

- تعریف و انواع شناخت در *گاتاها* کدام است؟

- ابزارهای شناخت در *گاتاها* چیست؟

- راه‌ها و موانع شناخت در *گاتاها* کدام است؟

- معیار صدق شناخت در *گاتاها* چیست؟

- چه معیارهای برای توجیه و اعتبار انواع شناخت در *گاتاها* وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از لحاظ گردآوری داده‌ها «توصیفی - تحلیلی» با رویکرد «کیفی» است. به‌رغم تحلیلی بودن پژوهش، وجود تشابه بین معرفت‌شناسی آشویی و حکمت اسلامی موجب ارائه مطالبی از فلسفه اسلامی برای تقویت درک مفاهیم گردید، اگرچه تطبیقی انجام نشد. جامعه پژوهش دربرگیرنده تمام کتب و مقالات، مدارک، اسناد، پایان‌نامه‌ها و سایر منابع، اعم از چاپی و الکترونیکی مرتبط با موضوع بوده است. روش نمونه‌برداری هدفمند و از بین منابع در دسترس، اوستای کهن، کتب معرفت‌شناسی و تاریخی و سایر منابعی بوده که با موضوع مرتبط بوده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، نمون‌برگ‌های فیش‌برداری بوده که با استفاده از آنها داده‌های مورد نیاز از اسناد و مدارک مرتبط با موضوع در قالب هدف پژوهش گردآوری، تلخیص، طبقه‌بندی و ارائه شده و سپس به پاسخگویی سؤالات پرداخته و در پایان نیز نتیجه‌گیری به عمل آمده است.

یافته‌های پژوهش

معرفت‌شناسی، شناختی است که فرد یا گروه نسبت به شناخت دارد. آشوزرتشت در زمانی ناشناخته زندگی کرده، ولی دیدگاه او در **گاتاها** باقی مانده است. حکمت آمیخته با هنر در این سروده‌ها، اندیشه رسایی را می‌نمایاند که طی قرن‌ها آن را از گزند فراموشی حفظ کرده است. در ادامه، به تفصیل در این باره سخن به میان می‌آید:

تعریف و انواع شناخت در «گاتاها»

«تعریف» بیانگر ماهیت شیء است؛ یعنی حقیقت شیء را می‌نمایاند. در دیدگاه‌های متفاوت، معانی لغوی گوناگونی از «شناخت» مطرح شده است. به‌نظر می‌رسد پذیرش بدیهی بودن آن درست‌تر است؛ زیرا شناخت معرفت با علم، شبیه به کارگیری ابزاری برای سنجش خودش است و با غیر دانش نیز نمی‌توان به شناسایی اقدام کرد. در بررسی انجام شده در **گاتاها**، تعریفی سره از کلمه‌های «دانش»، «خرد»، «اندیشه» و سایر مفاهیم مشابه به‌دست نیامد که نشانه سکوت یا موافقت زرتشت با بدیهی بودن آن نیست. در تحلیل مفهوم «معرفت»، می‌توان به بررسی سایر ویژگی‌های دانش پرداخت که در این مقاله به آن اشاره شده است.

سخن از گونه‌های معرفت، گستره دانایی و الگوی فکری گوینده را می‌نماید؛ چنان‌که می‌توان الگوی فکری و فرهنگی به‌دینان را با نکته‌سنجی از بین انواع دانش مطرح شده استخراج کرد. نیز چون انسجام بین پدیده‌های عالم هستی هماهنگی بین علوم را گواهی می‌دهد، هر دانشی روایتی از واقعیت است و هستی‌شناسی نیز در سخنان زرتشت نهفته است. همچنین ارائه اندیشه‌های آشویی در قالب شعر، در تشخیص آنها از سایر سخنان **اوستا** و

دریافت مفهوم آن توسط باستان‌شناسان مؤثر بوده است. خرد انتخاب چنین قالبی از سخن، به‌کارگیری زیبایی در زندگی را نشان می‌دهد و نمادی از ارزش‌شناسی است. «اخلاق» نیز که از نمادهای بهدینی است، در لایه‌های اندیشه زرتشت بارز است. زرتشت حکیمی بود که تأمل در سروده‌هایش متضمن دانایی است و ثبات حقیقت در هستی را می‌نمایاند. اما شناخت گونه‌های معرفت از مضمون و محتوای سخنان نقل شده مستقل است و صرفاً دانش مطرح شده ذکر گردیده است.

ای اهورامزدا! برای ما آشکارکننده منش نیک باش (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۲۹۵) (دانش اهورایی، شناخت منش نیک یا بد)

این را از تو می‌پرسم، ای اهورا! برایم به راستی آشکارکن که آیا به یاد سپردن آموزش تو؛ ای مزدا! آیا رایزنی با وهومن و اشا در کاربرد سخنان و آموزش‌های تو برای دست‌یافتن به یک زندگی شایسته (کافی است؟) روانم در چه راهی باید پیش رود که خوبی‌ها را دریابد (همان، ص ۶۲۵) (دانش اهورایی، دانش زمینه‌ساز زندگی شایسته، و دانش راه دریافت خوبی‌ها).

آری، آنها رهایی‌بخش کشورها هستند. آنها، ای مزدا! با دانشی که هماهنگ با آموزش توست و با کرداری که از اشا و وهومن سرچشمه می‌گیرد، همراهند (همان، ص ۸۹۳) (دانش هماهنگ با آموزش اهورایی، دانش رهایی‌بخش کشور).

ای مزدا، اکنون به من بهترین گفتار و کردار را که با منش نیک و راستی هماهنگ باشند آموزش بده (همان، ص ۵۱۱) (دانش گفتار و دانش رفتار هماهنگ با منش نیک و راستی).

بشود آن مرد از خوب‌ترین خوبی‌ها بهره‌مند شود؛ او که راه‌های درست پرهیزگاری و توانایی را برای رستگاری در جهان معنوی و توانگری در جهان مادی به ما آموزش می‌دهد (همان، ص ۵۱۱) (دانش راه‌های درست پرهیزگاری و دانش رستگاری در جهان معنوی و دانش توانگری در جهان مادی).

و هنگامی که به من گفتی برای آموزش یافتن بیا به سوی اشا، سپس دستور دادی از اشا «نظام هستی و دادگری» نافرمانی نشاید، همچنان که برای شتاب در این فرمانبرداری برایم پاداش خواهد رسید، همراه آن پاداش، توانگری و نیرومندی بسیار خواهد بود و پاداش‌های هر دو گروه (نیکوکاران و بدکاران) را به همان اندازه می‌دهی که سزاوارند (همان، ص ۵۶۷) (دانش آموزش داده شده اهورایی، دانش آموزش داده شده توسط فروزه‌های اهورامزدا).

اکنون سخن می‌گویم درباره دو گوهر غیرمادی نخستین که بنیاد هستی می‌باشد (همان، ص ۶۹۱) (دانش بنیادهای هستی، دانش‌های پیامبر).

ای مزدا، چه زمانی با آموزش‌های پراج و خردمندانه سوشیانت‌ها، مردم به پا خیزند؟ ای اهورا! برای رسیدن به آن، من آموزش‌های تو را برمی‌گزینم (همان، ص ۷۴۵) (دانش رهایی‌بخش، دانش آموزش داده شده اهورایی).

کسی که ذروند را از نیروی فرمانروایی و دستیابی به ابزار زندگی بازدارد، چنین کسی آنها را (که پشتیبان اشا هستند) رهایی می‌بخشد تا به سوی شناخت و آموزش درست راه جویند (همان، ص ۷۴۹) (شناخت درستی).

ای مزدا! آموزش را برای (پیشرفت) سرشت و وجدان من آشکار کن (همان، ص ۷۶۳) (دانش پرورش وجدان و سرشت).

با درون آگاه و شنیدن پیام اهورایی آماده نیایش او باشید (همان، ص ۸۰۵) (دانش درونی).

کسی که از اشا پیروی می‌کند اگر از ته دل آن آموزش‌ها را به‌جای آورد آنچه را که برای زرتشت درمان‌بخش‌ترین آرزوست (همان، ص ۸۱۵) (دانش برآمده از عمل).

آن مرد دانای پاک‌سرشت با آموزش‌های ژرف و در پرتو خرد و اندیشه نیک، ای مزد! کسی همانند تو خواهند شد (همان، ص ۸۵۷) (دانش ژرف یا بصیرت).

ای مزد! می‌خواهم بدانم خطری (که از سوی پیروان دروغ) مرا تهدید می‌کند چه زمان با همراهی اشا بر آن چیره می‌شوید؟ آموزش‌های درست و شایسته را که از اندیشه نیک سرچشمه می‌گیرد برایم آشکار کن (همان، ص ۸۸۱) (آگاهی از خطرات اجتماعی، دانش به‌دست‌آمده از اندیشه درست).

ای مزد! راهی در پرتو اندیشه نیک برای شکست و نابودی او بنمای (همان، ص ۸۹۹) (دانش درهم شکستن دشمن).

اینک بندوا (سردسته پیروان دروغ) مرا نگران می‌کند. آن آموزگار دروند با آموزش دوپهلوی خود از اشا دوری می‌جوید (همان، ص ۹۰۳) (دانش دوپهلوی «سفسطه»).

از شما درخواست می‌کنم، ای مزد و ای اشا! برنامه‌ای که در اندیشه دارید آشکار کنید تا با شناختن درست آن، به همان‌گونه آن را به گوش برسانیم و این دینی را که از آن کسی چون شماست؛ ای اهورا! آموزش دهیم (همان، ص ۹۱۹) (دانش برنامه‌ریزی، دانش دینی، دانش آموزش).

روان پلید دروندان آنها را با قانون، کردار و گفتار بدشان با باور دینی و اندیشه نادرستشان به آلودگی و بدخوراکی دچار می‌کند (همان، ص ۹۳۹) (دانش دینی نادرست).

ای مزد! زرتشت که با اشا یار و همکار است، با بزرگداشت او (اشا) آواز سر می‌دهد. باشد که آفریننده خرد زبانم را که ارباب‌ران (و ابزار کار) من است، برای راهنمایی مردم آموزش دهد (همان، ص ۹۶۹) (دانش گفت‌وگو، دانش آموزش مردم).

ای اهورامزدا! تو نخستین و برجسته‌ترین آموزش‌دهنده هستی (همان، ص ۱۰۰۳) (شناخت برترین آموزگار).

درباره همه اینها می‌پرسم. راهنما چگونه می‌تواند به جهان خدمت کند؛ راهنمایی که خردمند است؟ با کارهای پرارج خود، جایگاهی والا دارد، او که برای داوری درباره خود چون داور پاداش‌دهنده می‌تواند آموزش ببیند (همان، ص ۱۰۱۱) (دانش پرسشگری «پژوهش»، دانش داوری درباره خود، دانش فردی، دانش گروهی).

تو که جهان را آفریده‌ای، پایداری و نیرومندی را به من آموزش بده (همان، ص ۱۰۱۹) (دانش پایداری، دانش نیرومندی).

ای مزد! آن مردی که بخواهد مرا نابود کند چیزی غیر از ماست. او فرزند آفریننده دروغ است. از این‌رو، همه آنها بدسرشت و فرومایه هستند. من اشا را فرامی‌خوانم که با آمدن به سویم، پاداشی نیک بدهد (همان، ص ۱۰۳۵) (دانش دشمن‌شناسی).

آن کوی (فرمانروای دشمن زرتشت) بدسرشت به هیچ روی زرتشت اسپهتمان را خشنود نکرد؛ زیرا هنگامی که در زمستان سرد به گذرگاه زیر فرمان او رسید راه را بر او بست، درحالی‌که او و دو اسب او از سرما و باد تندی لرزان بودند (همان، ص ۱۰۴۳) (دانش مردم‌داری، دانش سرگذشت یا تاریخ).

کرین‌ها با ما سازگاری ندارند، هم روش آیینی، هم شیوه کار تولیدی آنها از ما بسیار دور است. با آموزش‌ها و کردارشان به جهان آسیب می‌رسانند و زیان‌آورند (همان، ص ۱۰۵۱) (دانش تولید، دانش آیین، دانش آسیب‌رسان).

او، مدیوم اسپتیمان؛ مردی که خسترا را برای خود برگزید؛ آن‌را با باور دینی (دئای) خود بدست آورد؛ آن کوشنده‌ای که هستی را به سوی پیروزی می‌برد؛ او می‌گوید: دستوره‌های مزدا کارهای زندگی را بهتر سامان می‌دهد (همان، ص ۱۰۷۱) (دانش دینی، دانش سودمند).

بهترین آرزوی زرتشت اسپتیمان برآورده شده؛ زیرا اهورامزدا برای او پاداش‌ها و زندگی شایسته‌ای در سراسر زندگانی ارزانی داشته است. و همچنین برای آنان که گفتار و کرداری را که از آیین نیک و سرچشمه گرفته آموخته و به کار بسته‌اند (همان، ص ۱۰۸۹) (دانش گفتار و کردار نیک، دانش قانونمندی زندگی).

و چنین باشد که کی‌گستاسب، پسر زرتشت و فرشوستر اندیشه گفتار و کردار خود را برای بزرگداشت مزدا همواره با دانش و نیایش‌هایشان پیگیری کنند (همان، ص ۱۰۹۳) (دانش بزرگداشت اهورا مزدا).

باشد که اهورامزدا به او بهره شکوهمند اندیشه نیک را برای پیروی از آیین بهی در سراسر زندگی ارزانی دارد (همان، ص ۱۱۰۱) (دانش پیروی از آیین بهی).

ای مردان و ای زنان! شاید چنین رویدادی پیش آید و ببینید یک پیرو وابسته به دین دروغ کامروا شود. من چنین کسی را از آن کامروایی برحذر و دور می‌دارم؛ چون او آرامش را نابود می‌کند. چنین کسی دچار روزی تنگی و پریشانی می‌شود و سرانجام او همراه با آه و افسوس خواهد بود. پیروان دروغ تباه‌کنندگان راستی هستند. اگر با آنها همکار شوید زندگی و هستی مینوی را نابود می‌کنید (همان، ص ۱۱۰۹) (دانش رابطه پیروی از دین با آرامش، دانش اثر دین بر منش، دانش اثر کردار بر زندگی مینوی).

حکمت در تنوع علوم بنیانی بررسی شده مشهود است. زرتشت از دریافت دانش الهی و به‌کارگیری آن برای پیروی از آیین بهی و خدانشناسی، ساخت دنیایی همراه با آرامش روانی، استقلال کشور و سرشار از نیکی رفتار و گفتار، و در نهایت ساختن زندگی مینوی شایسته سخن گفته است. به عبارت دیگر، زندگی دنیوی و اخروی به‌دینان توحیدمدار است. زرتشتیان دنیا را به‌طور هدفمند و برنامه‌ریزی شده می‌سازند. بدین‌روی پژوهش امری عادی است و منجر به رشد معرفت می‌گردد و به تقویت علم حصولی و حضوری می‌پردازد. بصیرت با توجه عمیق به پدیده‌ها حاصل می‌شود. هدفمندی انسان و اختیار او نمایان است و زیبایی در گفتار، کاربردی است. معرفت، درونی باشد یا بیرونی، ابزارهای متفاوتی برای حصول دارد. عمق آگاهی نیز متأثر از ابزار شناخت است.

ابزارهای شناخت در «گاتاها»

همه پیامبران با خدا در ارتباط بوده‌اند. این ارتباط، چه با واسطه ایزد و چه از راه تکلم رب و عبد و یا به هر صورت دیگر، مفاهیمی را به دل رسول وارد می‌کرده است. پرسش‌ها و درخواست‌هایی که در **گاتاها** مطرح‌اند، شاهد برخورداری زرتشت از الهام است. «تو که جهان را آفریده‌ای، با گوهرت که پاک‌ترین است، با جاودانی و رسایی در پرتو وهومن، پایداری و نیرومندی را به من آموزش بده (همان، ص ۱۰۱۹). شاید پاسخ خدا به این درخواست،

«فَاللَّهُمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸) باشد. فهم و درک خوبی‌ها و بدی‌ها به صورت فطری، در عمق روح انسان‌ها نهاده شده و ابزاری قدرتمند برای دانش‌افزایی است. هر اندازه انسان از این گوهر پاک پیروی کند به همان اندازه داناتر می‌شود.

آنکه پاک‌ترین سرشت و بهترین اندیشه را داشته باشد، با کردار و گفتاری که از اشیا سرچشمه می‌گیرد، برای چنین کسی رسایی و پابندگی را/هورمزدا با توانایی و مهر خود ارزانی می‌دارد (سامانفر، ۱۳۹۰، ص ۸۱۵).

گویا دیدگاه آشویی «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲) ایجاب می‌کند برای آموختن، باید پاکی فطری داشت. سقوط انسانیت با فاصله گرفتن از فطرت و غرق شدن به غریزه رخ می‌دهد. سرشت پاک شرط بهره‌مندی از ابزار قدرتمند فطرت است. به عبارت دیگر، راه معرفت، پاکی، و مانع آن آلودگی نهاد انسان است.

وجود مراتب گوناگون دانش موجب درجات متفاوت ابزارهای معرفت گردیده است. دل مهبط آموزه‌های الهی است و حس تجربه‌های روزمره را به مفهوم تبدیل می‌کند. «بشنوید! با گوش هوش بهترین چیزها (و آموزش‌ها) را، بنگرید با اندیشه روشن دو راه (اهورایی و اهریمنی) را، هر یک خودتان داوری (و گزینش) کنید. در برابر جنبش بزرگ (آیینی و فکری) آن را (گزینش خود را) با آگاهی اعلام کنید» (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

به نظر می‌رسد پس از تجربه حسی سطحی، طبقه‌بندی و تحلیل اندیشه، دانش را می‌سازد. «با درون آگاه و شنیدن پیام اهورایی آماده نیایش او باشید؛ همان کسی که درست را از نادرست باز می‌شناسد» (همان، ص ۸۰۵). عقل پیامبر درونی و عامل شناسایی سره از ناسره است؛ ابزاری که به تولید دانش می‌پردازد و زمینه‌ساز رفتار نیک و نشر آن در جامعه است. گفت‌وگو، آن هم با خویشتن، روشی بوده که در سراسر **گاتاها** از آن استفاده شده است. پرسش‌های منسجمی که توسط زرتشت به کار گرفته شده علم حضوری را مخاطب قرار داده است و هنوز هم انسان را به درون‌نگری می‌خواند. چنین روشی ابزارهای عقل و فطرت را فعال می‌کند و زمینه آزاداندیشی است. ابزارهای خردورزی در بین انسان‌ها مشترک است، اما راه دستیابی به دانش برای همه یکسان نیست.

راه‌ها و موانع شناخت در «گاتاها»

شناخت راه‌های دانش‌افزایی الگویی آزموده را می‌نمایاند که می‌توان علاوه بر شناخت دیدگاه آشویی، از آن بهره‌برداری نمود. آشوزرتشت مکرراً برای کسب معرفت از خدا، دست به دعا برداشته است. همنشینی با دانایان و آموختن از آنها راه عملی معرفت است. «از میان درستکار و نادرست، کدامیک به آنچه مهم‌تر و درست‌تر است روی می‌آورد؟ باید دانا با دانا سخن گوید و آن را آشکار کند تا مبادا که نادان مردم را گمراه کند. ای اهورامزدا، برای ما آشکارکننده منش نیک» باش (همان، ص ۲۹۵).

همنشینی با نادان خرد را کم می‌کند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶۰). هم‌اندیشی دانایان بر گستره دانایی می‌افزاید و شناختی ژرف می‌سازد؛ الگوهای رفتاری و گفتاری خوبی می‌سازد و حکمت عملی را

تقویت می‌کند، بر دانایی گروهی می‌افزاید، انگیزه آگاهی‌یابی مردم را افزایش می‌دهد و ساختار دانش گروهی را استوار می‌کند. بهره‌مندی از الگویی درست در پژوهش و آموزش نیز راه شناخت را کوتاه و مطمئن می‌کند. دریافت قوانین حاکم بر هستی برآمده از سخنان خدا یا پیامبرانش یا برگرفته از طبیعت نیز بنیان دانش را روشن می‌کند؛ راهی که شایسته است مؤمنان پرچمدار آن باشند. به نظر می‌رسد آشوررتشت از الگوی فکری «اندیشه درست» سخن گفته که آموزش‌های شایسته از آن برمی‌آید و جست‌وجوهای علمی را هم دربر می‌گیرد. «آموزش‌های درست و شایسته را که از اندیشه نیک سرچشمه می‌گیرد برایم آشکار کن» (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۸۸۱). به دیگر سخن، می‌توان گفت: «خدا! آنچه را برایم نافع است به من بیاموز» (متقی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۸۱).

هورامزدا جهان‌آفرینش را قانونمند آفریده است. دقیق‌ترین و درست‌ترین قانون‌ها با مطالعه علوم درک می‌شود. بخشی از این قاعده‌ها در احکام دینی پیداست. نمازهای روزانه، روزه، و گروهی از جشن‌ها که هزاران سال براساس قانون طبیعت برنامه‌ریزی شده، از آن جمله است. هنجارها مختص علوم تجربی نیست، تعامل انسانی هم ضابطه‌مند است. باور این نظم، آگاهی‌افزاست. «ای آرمئیتی پاک، وجدان و اندیشه درونم را با اشا آموزش بده» (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۴۳۹).

«اشا» یعنی: راستی و حقیقت، آنچه با نظام هستی هماهنگ است، برترین و بالاترین صفت، و مظهر هورامزداست. ایمان به «اشا»، حکمت عملی را تقویت می‌کند و هماهنگی جهان هستی در دیدگاه‌های گوناگون را تأیید می‌کند. قانونمندی هستی همیشگی است و هرچه فاصله بین اندیشه و واقعیت بیشتر باشد، نادانی بیشتر است. زرتشت قبل از رسالت، از آیین غالب مردم مطلع بود؛ اما این مانع ساختارشکنی نشد. در سوی مخالف، پیشوایان مهرپرستی با آموزش‌های زرتشت مخالف بودند و دست از آیین خود نمی‌کشیدند و مردم را آموزش می‌دادند. تفاوت زیر بنایی آنان، در باورهای متفاوت بود، نه حجم آموخته‌ها. شاید آنان با آموزش همین آموخته‌ها نان می‌خوردند و از اشتباه بودن تعلیم خود آگاه بودند، اما دل بستگی به آنچه نصیشان می‌شد مانع حق‌پذیری بود. هرچه بود نادانی را گسترش می‌دادند.

«گُرپن‌ها با ما سازگاری ندارند؛ هم روش آیینی، هم شیوه کار تولیدی آنها از ما بسیار دور است. با آموزش‌ها و کردارشان به جهان آسیب می‌رسانند و زیان‌آورند» (همان، ص ۱۰۵۱).
به نظر می‌رسد مهرپرستی آداب عملی گسترده‌ای داشته که حکمت عملی را تضعیف می‌کرده است. البته عوام نیز از خرد بهره‌مند بودند و سفسطه یکی از روش‌های تحمیق آنان بود.

«اینک بندوا (سردسته پیروان دروغ) مرا نگران می‌کند. آن آموزگار دُرُوند با آموزش دوپهلوی خود از اشا دوری می‌جوید؛ نه بودن با سپنتامینویو (پارسایی) را پشتیبانی می‌کند، نه، ای مزد! با اندیشه نیک رایزنی می‌کند» (همان، ص ۹۰۳).

سفسطه مانع درک واقعیت است. به کارگیری اندیشه‌های نادرست مانعی در برابر شناخت واقعیت‌هاست. چه بسا علمی که با همه وجاهت، حاصل ناراستی باشد که ندانستن‌اش ارزشمندتر از آموختنش است. برای درک درست بودن خرد، باید آن را با معیاری مطمئن سنجید.

معیار صدق شناخت در «گاتاها»

در **گاتاها** دانش در دو گونه «حضوری» و «حصولی» دسته‌بندی شده است. آنچه انسان در آن به شهود می‌رسد هیچ خطایی ندارد. در این گروه از دانسته‌ها، آگاهی با جان عالم آمیخته است. خطاناپذیری بدیهیات اولیه هم به سبب اتکای آنها بر علوم حضوری است. اما دانش حصولی ملاک راستی‌آزمایی دارد. اندیشه *هورامزدا* حق است و اندیشه ما وقتی که با آن هماهنگ باشد در راه راستی، استوار است. دیدگاه توحیدی آیین زرتشت هم ایجاب می‌کند که اندیشه درست در سایه اهورایی شکل بگیرد و خرد با هنجار هستی هماهنگ باشد؛ چیزی که با نام «آشا» شناخته می‌شود و یکی از اصول بهدینی است. شاید ذکر «مطابقت با واقع» کامل‌ترین برگردان همین اصل اساسی آشویی در اندیشه حکیمانه باشد؛ واقعیتی که گروهی از اندیشمندان آن را «نفس الامر» می‌نامند. خواسته زرتشت نیز دریافت چنین دانشی است. «از آنجا که در آغاز، ای مزد!؛ جهان جانداران، وجدان و سرشت ما را با اندیشه و خرد خود آفریدی و آنگاه به تن ما جان بخشیدی، ما نیز آرزومندیم که کردارمان، گفتارمان و گزینش‌هایمان با اندیشه و خرد تو هماهنگ شود» (همان، ص ۲۷۱).

یکی از خواص حقیقی بودن اندیشه دوام آن است. آشا نیز از ثبات همیشگی نظم هستی سخن می‌گوید. زرتشتیان معتقدند: هر قانونی که توسط مردم وضع می‌شود باید با هنجار اهورایی هماهنگی داشته باشد. از این‌رو ملاک راستی و درستی «مطابقت با هنجار هستی»، و معیار صدق معرفت «مطابقت با واقع» است؛ برداشتی که باور موحدان است. بهره‌گیری از معیار درستی معرفت، مشوق گسترش دانش است. هرچه دایره دید علمی بشر فراخ‌تر باشد بهره بیشتری از واقعیت می‌برد. پویایی دانش در گستره تاریخ در بین مردمی که آموختن را بخشی از زندگی خود قرار داده بودند نیازمند معیاری برای توجیه داشت تا استواری و اعتبار دانش برجا بماند.

معیارهای توجیه و اعتبار انواع شناخت در «گاتاها»

زرتشت برای گزینش راه در تردیدها، به کارگیری خرد را توصیه می‌کند، آن هم برای گزینشی که نتیجه پارسایی دارد. این مفهوم در توصیه‌ای که به دخترش هنگام انتخاب همسر دارد، مطرح شده است: «ای جوان‌ترین دختر زرتشت، درباره او که پایبند اندیشه نیک است و همبستگی با راستی و خردمندی را به تو ارزانی می‌دارد، با خرد خود رایزنی کن و سودمندترین کاری که بر پایه پارسایی استوار است، در پیش گیر» (همان، ص ۱۰۹۷).

اسلام نیز همین‌گونه ما را به تفکر، دانش‌آموزی و تعقل سفارش می‌کند: «مؤمن ایمان نمی‌آورد، مگر آنگاه که خرد ورزد» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۷۰). عقل در راستای دینداری، معیار توجیه و اعتبار است. در این بخش

نیز توحیدی‌محور بودن اندیشه روشن است. «با اندیشه روشن، دو راه (اهورایی و اهریمنی) را هر یک خودتان داوری (و گزینش) کنید» (ساسانفر، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹). ناگفته پیداست که «وحی» خود معیار دیگری برای توجیه و اعتبار معرفت زرتشت بوده؛ زیرا علم حضوری ایجاد می‌کرده است. نباید از علم الهی و مفهوم «دانایی» هویدا در /هورامزدا/ غافل بود. خدا سرچشمه دانایی است که با علم خود، هستی را آفریده و دانش در تار و پود آفرینش تنیده شده است. پرسش از او رایزنی با اصل خرد است. گویا بهره‌گیری از عقل، تبعیت از خداست. «هرگاه در گزینش راه و روش خود دودل و مردد شوی با خرد خود رایزنی و از آن پیروی کن» (همان، ص ۵۵۷).

به اختصار، معرفت‌شناسی در **گاتاها** چنین دسته‌بندی گردید:

جدول (۱): جدول معرفت‌شناسی گاتاها

تعریف «معرفت» در گاتاها	انواع معرفت بررسی شده در گاتاها	ابزار معرفت بررسی شده در گاتاها	راه کسب معرفت بررسی شده در گاتاها	موانع کسب معرفت بررسی شده در گاتاها	معیار صدق معرفت بررسی شده گاتاها	معیار توجیه و اعتبار انواع معرفت‌ها در گاتاها
تعریف لوی صریحی مشاهده‌نشد	دانش اهورایی، دانش فردی، دانش گروهی، دانش دیگری، دانش ژرف، دانش به‌دست‌آمده از اندیشه درست، دانش دو پهلو (سفسطه)، دانش بنیادهای هستی، دانش ساخت، دانش گفتار، دانش پرسشگری، دانش نیرومندی، دانش اثر کردار بر زندگی مینوی، دانش آسیب رسان، دانش سودمند، دانش آموزش، دانش برنامه‌ریزی، دانش آموزش مردم، دانش برآمده از کردار، دانش داوری درباره خود، دانش مردم‌داری، دانش رابطه پیروی از دین با آرامش، دانش هماهنگ با آموزش اهورایی، دانش ناهماهنگ با آموزش اهورایی، دانش رفتار هماهنگ با منش نیک و راستی، دانش پایداری دینداران، دانش رستگاری در جهان معنوی، دانش دینی نادرست، دانش راه‌های درست پرهیزگاری، دانش رهایی‌بخش کشور، دانش دشمن‌شناسی، دانش درهم شکستن دشمن، دانش رهایی‌دهنده، آگاهی از خطرات اجتماعی، دانش درونی، دانش بیرونی، دانش آموزش داده شده اهورایی، دانش آموزش داده شده فروزه‌های اهورامزدا، دانش آموزش داده شده پیامبر، دانش قانونمندی زندگی، دانش دینی، دانش آیین نیک، دانش /بین، دانش اثر دین بر منش، دانش پیروی از آیین بهی، دانش زمینه‌ساز زندگی شایسته، دانش راه دریافت خوبی‌ها، دانش بازشناسی درست و نادرست، شناخت درستی، دانش سرگذشت، شناخت برترین آموزگار، دانش بزرگداشت اهورامزدا، شناخت بنیادهای هستی، دانش توانگری در جهان مادی، دانش پرورش سرشت، شناخت منش، دانش پرورش وجدان	دل، حس، عقل، فطرت،	اندیشه نیک، همشینی با دانایان، راستی (هماهنگی با قوانین آفرینش)، آگاهی	باورهای غلط، آیین غلط، آموزش غلط،	مطابقت با واقع	عقل، وحی

نتیجه‌گیری

– اجزای شناخت‌شناسی استخراج شده از **گاتاها** الگویی خاص دارد که در جای‌جای آن نقش خداپرستی مشاهده می‌شود؛ همان‌گونه که شناخت‌شناسی قرآن استخراج شده است. می‌توان توقع داشت در سیره نبوی و معصومان دیگر نیز معارف مشابهی وجود داشته باشد.

– در **گاتاها** به رشته‌های علمی متفاوتی، مثل اقتصاد، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، ساخت و تولید، روان‌شناسی، فلسفه، فیزیک و تاریخ در سطوح گوناگون هر دانش اشاره شده است. فناوری حاصل از ترکیب علوم گوناگون وجود داشته و سازه‌های باقی‌مانده از ایران باستان، نشانی از پاسداری از حریم طبیعت است. دانش برآمده از کردار امروزه با نام «پراگماتیسم» معروف است و امکان وجود شاخه‌های متفاوت فلسفه را مطرح می‌کند؛ اما به‌نظر می‌رسد «رنالیسم دینی» بر اندیشه دینی حکومت می‌کرده است. ایرانیان به آرامش درونی و کرامت انسان اهمیت می‌داده‌اند و برای رسیدن به زندگی شایسته، زمینه‌سازی می‌کرده‌اند؛ توقعی که از دیدگاه توحیدی برمی‌آید.

– ابزارهای متفاوت کسب معرفت که معرفی شده‌اند، نشان می‌دهند که هر انسانی در هر سطح از دانایی می‌تواند بیاموزد و آموخته‌ها در برخورداری از ابزاری خاص یکسان نیستند. ویژگی‌های انسان در بهره‌گیری از ابزار مؤثرند. گویا رتبه‌بندی معرفت، حاصل تعمق‌های متفاوتی است که انسان‌ها به‌کار برده‌اند. علت تأکید بر تجربه افراد متخصص نیز همین تعمیق دانسته‌هاست.

– علاوه بر مضمون درست، راه درست برای بهره‌گیری از دانش درونی و برونی لازم است.

– آنچه از عمل وارد علم می‌شود، هم در آموختن مؤثر است و هم در ممانعت از آن. در دوره باستان، حجم گسترده‌ای از مناسک دینی مردود در بین مردم رایج بوده که از درک معارف پیشگیری می‌کرده است. به‌کارگیری استدلال‌های پیچیده و غلط که فهم عوام از درک لایه‌های غلط آن معاف است و اقدام براساس نتیجه آن نیز، هم فهم اجتماعی، هم فهم گوینده و هم فهم شنونده را ضایع می‌کند.

– عطر توحید در گریز از موانع شناخت پیچیده است. رایزنی با اندیشه نیک بهره‌گیری از یاری کارگزاران الهی است.

– معیار توحیه و اعتبار انواع معرفت در **گاتاها** در همه دوره‌ها، عقل و وحی بوده است. ایران از آغاز پذیرش آشویی، حکومتی دینی داشته است. اگر از بحث میزان پابندی عملی که خارج از حیطه پژوهش است، درگذریم پرچم توحید همیشه در این سرزمین برافراشته بوده است. وجود آیینی با مبدأ زمانی نامشخص شاهد این ادعاست. در این مدت، دولت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی آمده‌اند و رفته‌اند و زبان‌هایی مرده‌اند، ولی هنوز اوستای کهن، مقدس است. یکی از افتخارهای بی‌تغییر مردم، درخشش **آشوزرتشت** در ایرانشهر است. آنچه این‌همه بزرگی را ارزشمند کرده، وحی الهی و نبوت آن حضرت است؛ پیامبری که خردورزی دینی را زمینه اصلی زندگی قرار داد.

– تأمل ایرانیان در قرآن کریم متأثر از معرفت‌شناسی زرتشتی، به‌ویژه **گاتاها** بوده که کمتر در معرض تحریف قرار گرفته است. پارسیان با معرفت‌شناسی خود درک کرده بودند قرآن سخن الهی است. تلاش آنان در تدوین نحو زبان عربی با هدف درک عمیق‌تر ریشه‌های زبانی کلام خدا، شاهد این ادعاست.

– اگرچه این پژوهش قبلاً انجام نشده است، اما ابزارهای معرفت به‌دست‌آمده در این مطالعه با نتایج مطالعات اسدی (۱۳۹۵)، ابراهیم‌پور (۱۳۹۲)، نیچه (۱۳۸۶)، گونک (۱۳۸۳) و جوادی آملی (۱۳۷۴)؛ و موانع معرفت حاصل شده، با نتایج نظرزاد و ایزی (۱۳۹۵)؛ و در معیار صدق معرفت با نتایج حسین‌زاده (۱۳۸۴)؛ و در انواع معرفت با نتایج مطالعه شهرزادی (۱۳۷۱) هم‌راستا است.

منابع

- ابراهیم پور، لیلا، ۱۳۹۲، «*ابزارهای شناخت در قرآن کریم*»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء ع.
- اسدی، فاطمه، ۱۳۹۵، «*بررسی ابزارهای معرفتی انسان در شناخت حقایق هستی از دیدگاه علامه جعفری*»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- بهشتی، احمد، زهرا مصطفوی، احد فرامرز قراملکی و جنان ایزدی، ۱۳۸۸، «*الگوی روشی ملاصدرا در تحلیل مفهومی ایمان*»، *فلسفه و کلام اسلامی*، ش ۱، ص ۲۹-۴۴.
- تفضلی، احمد و ژاله آموزگار، ۱۳۸۳، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران، سخن.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۹۲، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، چ سیزدهم، تهران، فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۴، *شناخت‌شناسی در قرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسین زاده، محمد، ۱۳۸۴، «*معیار صدق گزاره‌های دینی*»، *معرفت فلسفی*، ش ۸، ص ۷۵-۹۳.
- حکمت، علی رضا، ۱۳۵۰، *آموزش و پرورش در ایران باستان*، تهران، چاپخانه کیهان.
- خسروپناه، عبدالحسین و حسن پناهی آزاد، ۱۳۸۹، *هستی‌شناسی معرفت*، تهران، امیرکبیر.
- خورشیدیان، اردشیر، ۱۳۸۶، *پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان*، تهران، فروهر.
- رشیدی، شیرین، سوسن کشاورز، سعید بهشتی و اکبر صالحی، ۱۳۹۶، «*تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناختی براساس دیدگاه‌های استاد مطهری و استاد جوادی آملی*»، *عقل و دین*، ش ۱۶، ص ۷۷-۱۰۴.
- رضوی، عبدالحمید، ۱۳۸۴، «*نگاهی به تعلیم و تربیت از دیدگاه زرتشت*»، *علوم اجتماعی و انسانی*، ش ۴۵، ص ۱۶۹-۱۷۸.
- زارع، علی، ۱۳۹۷، «*سیر تفکر فلسفی در ایران باستان با تکیه بر تأثیر زرتشت*»، *تاریخ پژوهی*، ش ۷۳، ص ۴۸-۶۲.
- ساسانفر، آبتین، ۱۳۹۰، *اوستای کهن*، تهران، فروهر.
- سامی، علی، ۱۳۵۴، «*خرد و دانش و کوشش در شاهنامه*»، *خرد و کوشش*، ش ۱۷، ص ۱۰۵-۱۱۲.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، ۱۳۹۷، *حکمة الاشراق*، ترجمه سیدجعفر سجادی، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- شایسته‌رخ، لیلا، ۱۳۹۱، «*تأثیر عوامل غیر معرفتی در معرفت دینی از منظر صدرالمآلهین*»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- شجاعی، محمصدق، ۱۳۸۶، «*نگاهی به شناخت از منظر فلسفه، روان‌شناسی و اسلام*»، *معرفت*، ش ۱۱۹، ص ۸۱-۱۰۰.
- شهرزادی، رستم، ۱۳۷۱، *زرتشت و آموزش‌های او*، تهران، فروهر.
- صدرالمآلهین، ۱۳۹۷، *ترجمه مفاتیح الغیب: کلید رازهای قرآن*، ترجمه محمد خواجوی، با مقدمه علی عابدینی شاهرودی، تهران، مولی.
- عارفی، عباس، ۱۳۸۱، «*معرفت و گونه‌های توجیه*»، *ذهن*، ش ۹، ص ۳-۲۰.
- عیده، محمد، ۱۳۷۴، *ترجمه رساله التوحید*، ترجمه عبدالله احمدیان، تبریز، سقز.
- گوتک، جرالده ال، ۱۳۸۳، *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، تهران، سمت.
- مبلغی آبادانی، عبدالله، ۱۳۷۳، *تاریخ ادیان و مذاهب جهان از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام*، قم، منطلق (سینا).
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۳۶۳، *بحارالانوار*، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، کتابخانه مسجد حضرت ولیعصر ع.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *اصول فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- _____، ۱۳۹۱، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- نظرزاد، نرگس و زهرا ایزی، ۱۳۹۵، «*موانع معرفت حقیقی از دیدگاه علامه طباطبایی*»، *حکمت صدرایی*، ش ۸، ص ۱۶۹-۱۸۵.
- نیچه، فردریش، ۱۳۸۶، *چنین گفت زرتشت*، ترجمه داریوش آشوری، چ بیست و هشتم، تهران، آگاه.